



۴ +

نتایج تحقیق ما درباره سوگ و کرونا نشان داد که عده زیادی به خاطر نقصان طی مراحل سوگواری، احساس ناتمامی و اضطراب را تجربه کرده بودند. نظیر همان چیزی که در ادبیات روانشناختی به آن «تجربه سوگ ناتمام» می‌گویند



از تجربه سوگ ناتمام تا ابتکار عمل در ابداع مراسم غیر حضوری ختم در گفت‌وگو با دکتر مهر داد عربستانی

کرونا؛ فرصت بازاندیشی در عزاداری‌های پرتکلف

خورشید بهشتی/ مناسک و آیین‌ها اگرچه ثابت و لایتغیر به نظر می‌رسند اما در طول تاریخ بارها دستخوش تحولاتی بنیادین شده‌اند. یکی از ریشه‌دارترین آیین‌های زندگی بشر یعنی مراسم مربوط به مرگ هم بواسطه همه‌گیری کووید ۱۹ با دگرگونی بزرگی روبه‌رو شده. دیگر در دوران کرونا عزاداران نمی‌توانند در پرتو حمایت عاطفی اطرافیان مراحل سوگواری خود را کامل طی کنند و مجبورند تن به مراسم آنلاین بدهند. اما نبودن مراسم حضوری چه آسیب‌هایی به سوگواران می‌زند؟ آیا مراسم آنلاین فعلی می‌تواند خلأ مراسم عزاداری را برای بازمانده‌ها پر کند؟ آیا ممکن است شاهد تغییری همیشگی در مناسک سوگواری باشیم؟ ما برای پاسخ به این سؤال‌ها با دکتر مهر داد عربستانی انسان‌شناس و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران صحبت کردیم. او که عضو کارگروه «سوگ» است که برای حمایت از داغدیدگان کرونایی در شهرداری تهران تشکیل شده در این گفت‌وگو بخش‌هایی از یافته‌های طرح پژوهشی خود درباره سوگ و کرونا را با مادر میان گذاشت.

در همه فرهنگ‌ها مناسکی برای مواجهه با مرگ و حمایت از بازمانده‌ها تعریف شده است. این مناسک شامل سوگواری، ماتم و عزاداری دارای چه خصوصیات است؟

مرگ منشأ عمیق‌ترین و بنیادی‌ترین اضطراب وجودی در انسان است و سخت‌ترین مقابله انسان با مرگ بیش از هر زمانی وقتی رخ می‌دهد که آدمی با مرگ یکی از عزیزان و نزدیکانش روبه‌رواست. چون کسانی که مرگ را خودشان تجربه می‌کنند اصولاً راهی برای انتقال این تجربه ندارند ولی تجربه فقدان یکی از نزدیکان، امری است که ما را بیش از هر تجربه دیگری در زندگی با خود مرگ مواجه می‌کند. حذف یک عزیز که جایگاهی در نظام نمادین و زندگی ما داشته فقدان و خلأیی ایجاد می‌کند که هیچ راهی برای پرکردنش وجود ندارد. این است که حول و حوش این تجربه بسیار عمیق، مناسک و مراسمی شکل گرفته که علی‌الظاهر به طور نمادین گذر فرد در گذشته را به دنیای دیگر تسهیل می‌کند اما از جنبه عینی و کاربردی، کمکی است برای بازمانده‌ها که بتوانند با رنج فقدان کنار بیایند و نظام نمادین‌شان را سروسامان دهند.

این مراحل سوگواری در همه فرهنگ‌ها یکسان برگزار می‌شود؟

این مراسم جهانشمول است و گویا در ژن ما انسان‌ها تثبیت شده؛ کما این‌که در بعضی از حیواناتی که در زنجیره تکاملی در سطوح بالاتری قرار می‌گیرند - مثل بعضی از نخستی‌ها و فیل‌ها - حرکاتی

آن هم مراسم یادبود به صورت دوره‌ای یعنی مراسم «سوم»، «هفتم»، «چهل‌م» و «سال» انجام می‌شود.

در ماه‌های نخستین درگیری با کووید ۱۹، شما مشغول تحقیقی در خصوص مناسک عزاداری در ایام کرونا بودید. در تحقیق شما چه نتایجی در خصوص تجربه سوگ با توجه به فقدان مناسک تسلی و دل‌داری به دست آمد؟

پژوهشی که ما در خصوص مسأله سوگ در ایام کرونا انجام دادیم همان‌طور که گفتید مربوط به ماه‌های اول شناسایی ویروس در ایران بود، یعنی زمانی که حتی شناخت نسبت به ویروس و همه‌گیری از امروز هم کمتر بود. می‌شود گفت که در مقابل همه‌گیری و تهدید مرگی که به همراه داشت، همه به نوعی واکنشی شبیه به مراحل اول مواجهه با سوگ نشان می‌دادند، یعنی وجود آن با شدت و حدتش را کمابیش انکار می‌کردند. لذا این‌طور احساس می‌شد این امر موقتی است و درگذشتگان تنها قربانیان بدشانسی و محدود این واقعه هستند. اما هرچقدر زمان گذشت افق شناختی ما نیز تغییر کرد و بیش از ابتدای همه‌گیری دریافتیم که باید تا مدت‌ها با این واقعه زندگی کنیم و بنیاست که مرگ بر اثر کرونا تا مدت‌ها علت مرگ تعداد نامشخص دیگری هم باشد.

موضوع اصلی تحقیق ما مربوط به کندوکاو در مراحل مختلف مواجهه با مرگ در دوران کرونا، بخصوص مرگ ناشی از کرونا بود. اما لاجرم آن دسته از مرگ‌ها که با عللی غیر از کرونا اما در زمان

که رنگی از این مناسک دارند مشاهده می‌شود. به‌طور کلی مناسک مرگ در جوامع مختلف شامل مراحل و دوره‌هایی است شامل جمع شدن دور بازمانده‌ها، برگزاری مراسمی برای تشییع پیکر و تدفین یا سوزاندن و شیوه‌های دیگر خارج کردن جسد از حیطه اجتماعی. این مراسم در بعضی از فرهنگ‌ها خیلی طولانی و در بعضی دیگر کوتاه‌تر است. گاهی اوقات جنازه براحتی کنار گذاشته نمی‌شود و برای مدتی به‌عنوان بخشی از مراسم مرگ در جامعه حضورش را ادامه می‌دهد. یک نمونه معروف در بین توراها‌های (Toraja) اندونزی مشاهده می‌شود که متضمن نگهداری جنازه برای مدتی طولانی در یک تابوت مهر و موم شده در خانه است. بعد از این مدت هم که جنازه در دخمه قرار می‌گیرد، به‌طور دوره‌ای جنازه را خارج کرده، پس از مدتی سپری کردن با جنازه (و حتی گرفتن عکس یادگاری) دوباره آن را به دخمه باز می‌گردانند. در کنار آن مناسک دیگری داریم که در سریع‌ترین حالت ممکن جنازه را به خاک می‌سپارند. با این همه در این مناسک یک مشابهت وجود دارد و آن حضور نزدیکان برای تسلی و نوعی حرمت برای جنازه و ابراز غم برای جدا شدن از میت است.

شباهت دیگر این مناسک در همه‌جا، مراسم پس از تدفین است که طی آن ضمن تکریم و یادبود فرد درگذشته، بازماندگان از دیگران حمایت عاطفی می‌گیرند. در ایران وجه غالب آن، خصوصاً در میان مسلمانان، تجهیز مرده، تشییع و تدفین است و بعد از